

آقای محمد واعظ زاده خراسانی

تحقیق درباره کتاب فی

(۵)

نخستین جوامع حدیث

در شماره سوم این مجله شرحی درباره کلمه (جامع) و تاریخ پیدایش وامکانات موجوده برای تدوین جوامع حدیث و نشاط علمی مردم در آن عصر نگاشتیم و اینکه در این شماره بحث جوامع حدیث را دنبال میکنیم.

معمولا قدیمی ترین و معتبرترین جوامع حدیث شیعه را کتب چهارگانه مشهور یعنی **کافی و تهذیب و استبصار و من لایحضره الفقیه** میدانند در اینکه این کتب در میان کتابهایی که فعلا در دست رس مامی باشد از همه با اعتبار تر است بحثی نیست در تفصیل آن را بعد موکول میکنیم اما اینکه بطور کلی این چهار کتاب اقدم کتب حدیث باشند مطلبی است کاملا برخلاف حقیقت زیرا علاوه بر اینکه اصول اربعه (بشرحیکه در شماره دوم گذشت) مقدم بر آنها و بلکه مایه اولیه آنها و همه کتب حدیث است تعدادی کتابهای دیگر که از اصول نامبرده بزرگ تر و زمانا مقدم و از پاره ای از این چهار کتاب کوچکتر و زمان تالیفشان جلوتر است وجود داشته اند که حدفاصل و حلقه اتصال میان آن اصول و این کتب بوده اند

مرحوم استاد **آیه الله** **بروجردی** در این مورد اصطلاحی را بکار میبرد که در جائی بنظر نرسیده و گویا از ابتکارات آن مرحوم است و آن اینکه از کتابهای مورد بحث بجوامع اولیه و از کتب اربعه بجوامع ثانویه یا جوامع اخیره (نسبت بآن جوامع نه نسبت بجوامع تدوین شده در قرن ۱۲ و ۱۱ هجری) تعبیر مینمود. این اصطلاح برای معرفی اجمالی طبقات کتب حدیث بسیار مفید است اما نمیتواند معرف کامل باشد چه اینکه جوامع اولیه نیز همه در یک دوره و یک زمان بوجود نیامده و نویسندگان آنان در یک طبقه قرار نگرفته اند. بلکه میان آن کتب و نویسندگان آنها تفاوت زمانی و اختلاف طبقه وجود دارد. و با احتمال قوی بلکه نسبت بیاره ای از آنها بطور قطع باید گفت آنچه جلوتر تدوین گردیده مدرک و مستند کتب متأخر از آن بوده است.

بنابراین بحث صحیح‌تر و نزدیک‌تر به تحقیق باین صورت قابل طرح است که حلقات و مراتب جوامع اولیه را از اولین زمان تدوین تا حلقه آخرین یعنی آنچه پیش از کتاب کافی نوشته محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (۳۲۹) نخستین کتب چهارگانه موجود تدوین گردیده و تاریخ زندگی مؤلفین آنها و طبقه آنان را تعیین کنیم ،

طبقه اول مؤلفین جوامع

نخستین کسانی که دست بتدوین جامع زدند یاران برجسته امام موسی بن جعفر و امام رضا (۲۰۲) (ع) بودند که بنا بر گفته ابو عمر و کشی در کتاب رجال (۱) در طبقه سوم اصحاب اجماع قرار گرفته بودند . سخن در باره اصحاب اجماع طولانی است (۲) و اجمال آن اینست که کشی شش تن از یاران امام باقر و صادق (ع) و شش تن از یاران امام صادق (ع) و شش تن از یاران امام هفتم و هشتم (ع) را با اندکی اختلاف در تعیین اشخاص که جمعاً سه طبقه را تشکیل می‌دهند نام برده و گفته است گروه طایفه امامیه اجماع کرده‌اند بر اینکه هر چه بطریق صحیح از آنان نقل شود صحیح است یعنی همینکه حدیثی بسند صحیح بآنان منتهی گردید دیگر محکوم بصحت است و در باره روایان ماقبل آنان نباید فحص و تحقیق نمود و نیز بر قضاوت و مقام دانش آنان اجماع منعقد شده است بنا بر گفته وی عده‌ای از یاران امام هفتم و هشتم (ع) که نویسندگان نخستین جوامع حدیث هستند در طبقه سوم اصحاب اجماع قرار گرفته‌اند و دو طبقه دیگر یاران مشترک مابین امام باقر و صادق (ع) (۳) و یاران مخصوص امام صادق (ع) (۴) که با اصطلاح از صفار شاگردان آنحضرت بوده‌اند می‌باشند .

این اشخاص غالباً میان سالهای ۱۴۰ و ۲۲۵ بانندگی جلو و عقب زندگی می‌کردند و از نظر طبقات رجال بنا بر ترتیبیکه مرحوم آیه الله بر و جردی داده بود در طبقه ۶ قرار داشتند . آن مرحوم محدثین را بر حسب طبقات متسلسل استاد و شاگرد منظم نموده بود باین شرح که صحابه پیغمبر (ص) که عده‌ای از آنان از یاران علی نیز بودند در طبقه اول قرار گرفته بودند که بطور متوسط تا سال ۴۵ از هجرت را برای آنان باید در نظر گرفت . یاران و معاصرین امام دوم و سوم (ع) و اکابر اصحاب امام سجاد (ع) در طبقه دوم، یاران مخصوص امام سجاد (ع) در طبقه سوم، یاران امام باقر (ع) که عده‌ای از آنان امام صادق (ع)

۱- ص ۳۴۴

۲- از نظر اشخاص آنان و از نظر اینکه گفته کشی تا چه حد اعتبار دارد و هم از

جهت آثار مترتب بر آن

۳- رجال کشی ص ۱۵۵ ۴- رجال کشی ص ۲۳۹

را نیز درک کرده بودند از قبیل زرازه و محمد بن مسلم که بگفته کشی در طبقه اول اصحاب اجماع قرار گرفته اند، طبقه چهارم . یاران امام ششم که باز بسیاری از آنان امام هفتم را نیز درک کرده بودند، طبقه پنجم . یاران امام موسی بن جعفر (ع) که غالباً امام هشتم (ع) را نیز دیده بودند، طبقه ششم . یاران و معاصرین امام جواد و امام هادی (ع) (۲۵۴) طبقه هفتم . محدثینی که در عصر امام عسکری (ع) ۲۶۰ و اوائل غیبت صغری زندگی میکردند طبقه هشتم . و آنانکه در اواسط غیبت صغری و اندکی پس از انقضاء آن (۳۲۹) زندگی میکردند طبقه نهم بودند که از آن جمله محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹) مؤلف کتاب کافی قدیمی ترین کتب اربعه است . چنانچه صدوق «تقریباً ۳۰۶-۳۸۱» مؤلف دومین کتاب از کتب اربعه در طبقه دهم و شیخ طوسی «۳۸۵-۴۶۰» نویسنده کتابهای تهذیب و استبصار در طبقه دوازدهم قرار گرفته بودند .

روی این حساب پس از اصحاب امام صادق (ع) که در طبقه ۴ و ۵ قرار داشتند و چنانچه قبلاً گفته ایم نویسندگان (اصول اربعه) غالباً از این طبقه بوده اند تا عصر کلینی که در طبقه نهم بود سه طبقه دیگر هستند (طبقات ۷ و ۸) که در بین هر سه طبقه نویسنده جوامع وجود دارد. و کلینی در طبقه چهارم جامع نویسان و جامع وی در رتبه چهارم جوامع قرار دارد و به همین جهت کلینی صرف نظر از اصول از کتابهای جامع سه طبقه پیش از خود میتواند استفاده کند و ناچار نبوده که احادیث را بلاواسطه از (اصول) اخذ نماید . و چنانچه در سندهای کافی ملاحظه میکنیم نام نویسنده گان همه آن جوامع آمده که بر حسب معمول محدثین احادیث را از کتابهای آنان گرفته و طریق خود را بآن کتابها در سند احادیث اضافه نموده است (۱)

اکنون که طبقه جامع نویسان روشن شد زندگی چندتن از آنان را که حاکی از موقعیت اجتماعی و مذهبی و علمی آنان است یاد میکنیم

چندتن از نخستین جامع نویسان

۱- یونس بن عبدالرحمن مولی آل یقطین وی در پایان زندگی هشام بن عبدالملک (۱۲۶) خلیفه اموی متولد (۲) و امام صادق (ع) را در مکه میان کوه صفا و مروه (۳) و هم در مدینه مابین قبر و منبر رسول اکرم (ص) دیده که مشغول نماز بوده ولی موفق بشنیدن حدیث از وی نشده است (۴) بلکه منحصر از امام هفتم و امام هشتم (ع) سماع

۱- در کیفیت اخذ حدیث و مدرک کلینی بعداً انشاءالله بحث خواهیم کرد

۲- رجال نجاشی ص ۳۴۸ . و رجال کشی ص ۳۰۳

۳- رجال نجاشی ص ۳۴۸ . ۴- رجال کشی ص ۳۰۴

حدیث نموده گواینکه شش سال از دوران امامت امام جواد(ع) درانیز درك کرده اما کسی نگفته که یونس از آن حضرت حدیث نقل کرده باشد

وی در عصر خویش موقعت عظیم و شخصیت بی مانندی احرار نمود و امام هشتم(ع) **عبدالعزیز بن همتدی** وکیل خود و **حسن بن علی بن یقطین** را جهت فـرا گرفتن معالم دین بوی ارجاع داد (۱) و بقول **نجاشی** (۲) : **كان یشیر الیه بالعلم والفتیا** در رجال کشی روایات متعددی در ستایش و مقام دانش وی آمده از جمله اینکه از قول **فضل بن شاذان** (۲۶۰) فقیه و متکلم و رجالی معاصر امام عسکری (ع) نقل میکنند که گفته است : **ما نشأ فی الاسلام رجل من سایر الناس كان افقه من سلمان الفارسی . وما نشأ رجل بعده افقه من یونس بن عبدالرحمن** (۳) و نیز گفته است که از شخص مورد اطمینانی شنیدم که گفت از امام رضا (ع) شنیدم که میفرمود : **یونس بن عبدالرحمن فی زمانه کسلمان الفارسی فی زمانه** (۴) و آن حضرت برای وی بهشت را ضمانت نموده (۵) و بروی رحمت میفرستاد (۶) و حضرت جواد نیز بروی رحمت میفرستاد (۷)

در سیره و شرح زندگی این مرد مانند بسیاری از رجال و دانشمندان آن اعصار نکات برجسته اخلاقی بچشم میخورد وی ۴۰ نفر برادر ایمانی و رفیق داشت که هر روز قبل از ظهر بتمام آنان سر میزد و از همه تققد می نمود سپس بمنزل بر میگشت و نهار میخورد و خود را برای نماز مهیا میکرد و بعد از نماز بتألیف و تصنیف میپرداخت (۸) **یونس** میگفت من ۲۰ سال سکوت کردم و ۲۰ سال بسؤال پرداختم آنگاه زبان کشودم و بمشکلات علمی مردم پاسخ گفتم (۹) وی ۵۴ عمل حج و ۵۵ عمل عمره بجای آورد (۱۰) که آخرین حج از قبل حضرت رضا(ع) و به نیت وی بود (۱۱)

هنگامیکه امام موسی بن جعفر (ع) از دنیا رحلت نمود نزد خویشان و وکلای وی اموال بسیاری از آنحضرت بجای ماند این گروه بطمع ضبط آن اموال وفات وی را انکار نموده گفتند امر امامت بر آنحضرت متوقف ماند و پس از وی امامی نیست تا آنکه خود وی ظهور کند و همین سخن منشأ پیدایش فرقه جدیدی بنام (واقفیه) گردید از جمله نزد **زیاد قندی** هفتاد هزار دینار و نزد **علی بن ابی حمزه** ۳۰ هزار دینار موجود بود. این

۱- رجال کشی ص ۳۰۱ و ۳۰۵

۲- رجال کشی ص ۳۰۶

۳- رجال کشی ص ۳۰۴ و ۳۰۳

۴- رجال کشی ص ۳۰۲ و ۳۰۳

۵- ص ۳۰۴

۶- رجال کشی ص ۳۰۲

۷- همان مدرک

۸- همان مدرک

۹- رجال کشی ص ۳۰۳

۱۰- رجال کشی ص ۳۰۷

دو نفر بمنظور همراه کردن یونس با خود بمنزل وی رفتند و بوی وعده ۱۰ هزار دینار دادند که از معرفی امام هشتم (ع) بمردم خود داری نماید یونس گفت: انا روینا عن الصادقین (ع) انهم قالوا اذا ظهرت البدع فعلی العالم ان ینظر علمه فان لم یفعل سلب عنه نور الایمان. وما کنت ادع الجهاد و امر الله علی کل حال آن دو مرد با شنیدن این سخن صریح از یونس مایوس و بعداوت و سیتزه باوی کمر بستند (۱)

یونس متکلم زبردستی بود و در مسائل اعتقادی سخنانی از وی شنیده میشد که از سطح افکار عمومی بالاتر بود و مردم عادی نمیتوانستند سخن او را درک کنند مثلا در مسئله پرغوغای کلام الله که عده ای آن را قدیم میدانستند و عده ای حادث وی گفته بود ان الکلام لیس بمخلوق عده ای از اهل بصره این مطلب را برای امام هشتم (ع) بعنوان شکایت از یونس نقل کردند امام فرمود یونس راست گفته است مگر نشنیده اید که ابو جعفر (امام باقر (ع)) در پاسخ این سؤال که آیا قرآن خالق است یا مخلوق فرمود لیس بخالق ولا مخلوق انما هو کلام الخالق (۲) ولی در هر صورت مردم او را بانحراف عقیده و ضلالت متهم و سخنان سخیفی به وی نسبت میدادند و دسته دسته از مردم بصره از وی نزد امام هفتم و هشتم (ع) بدگویی میکردند و گاهی از امام هشتم (ع) میپرسیدند آیا جانز است بپاران و شاگردان یونس ز کوة بدهند؟ (۳). و همواره این دو امام بنفح یونس سخن میگفتند.

کار هو و جنجال عوام بجائی رسید که یونس نزد آن دو امام شکایت نمود يك روز در حالیکه یونس نزد حضرت رضا بود جمعی از اهالی بصره وارد شدند امام بیونس اشاره کرد که پشت پرده مخفی شود آنان هم که از حضور وی بی خیر بودند تا توانستند از وی بدگویی کردند امام سر بزیر افکند و چیزی نفرمود تا اینکه سخنانشان تمام شد و خارج شدند یونس باحال گریه از پشت پرده بیرون آمد و گفت من از عقیده ولایت دفاع میکنم و وضعیتم نزد مردم چنین است

امام فرمود از آنچه میگویند بتوضیری نمیرسد در صورتیکه امام تواز تو راضی است ای یونس با مردم در حدود آنچه میفهمند و میدانند سخن بگوی و آنچه را نمی توانند بفهمند بآنان بگوی که خدا را تکذیب میکنند ای یونس اگر در دست تودری شاهوار

باشد و مردم آن را پشک انگارند یا بعمکس دردست تو پشک باشد و مردم آن را در پندارند آیا بتوفیق یا ضروری میرسد گفت نه فرمود پس در این صورت جای نگرانی نیست با فرض اینکه خود را بر حق می دانی و امسام هم از تو خشنود است مردم هر چه میخواهند بگویند (۱)

بامام هفتم گفت بمن میگویند (زندیق) فرمود با آنان مدارا کن و مثل درو پشک را تکرار فرمود امام هشتم (ع) فرمود **أَرَهُمْ فَا نَعْقُولَهُمْ لَا تَبْلُغْ** اینست که یونس با وسعت نظر و گذشت که مخصوص مردان بصیر و بزرگوار است میگفت: **اشهد کم ان کل من له فی امیر المؤمنین نصیب فهو حل مما قال (۲)**

در رجال کشی روایاتی در نکوهش یونس ایراد و اقوال نا درستی بوی نسبت داده است از قبیل اینکه او میگفته است بهشت هنوز خلق نشده (۳) یا اینکه پذیرفتن امام رضا (ع) امر و لایتمه را گوا اینکه از روی اکراه و اجبار باشد مورد انتقاد قرار میداده (۴) باینکه در فوت امام هفتم (ع) و امامت امام هشتم (ع) مردد بوده است (۵) و امثال این امور. اما **ابو عمر و کشی** مصنف کتاب پس از نقل این روایات با صراحت و رشادت با موازین عقلی متون آنها را مورد نقد قرار داده و در همه خدشه نموده است (۶) و این خود یکی از مواردی است که میرساند قدامت صرف نظر از خدشه در سند در متن روایات نیز مناقشه میکردند.

چنین بنظر میرسد که این شایعات تاحدی با داستان مقاومتی در مقابل آن مردم طماع که میل نداشتند امامت امام هشتم (ع) مسجل شود بی ارتباط نباشد یعنی آنان پس از اینکه از هم آهنگ ساختن یونس با خود نا امید شدند او را بیاد تکفیر و تفسیق گرفتند و من غیر مستقیم مردم را بوی بدبین کردند و بعید نیست در حیات امام هفتم (ع) این شایعات را رواج داده باشند تا بوجه یونس لطمه وارد آوردند و دیگر مردم سخشن را در مورد امامت حضرت رضا (ع) نپذیرند.

این بودیوگرافی یکی از اولین مؤلفین جوامع حدیثی و علاوه بر کتابهای گوناگون کتابهایی بنام جوامع الآثار کتاب الشرایع الجامع الکبیر فی الفقه و کتاب یوم ولیلة که

۱- رجال کشی ص ۳۰۳ ۲- رجال کشی ص ۳۰۴

۳- رجال کشی ص ۳۰۵ ۴- رجال کشی ص ۳۰۴

۵- رجال کشی ص ۳۰۷ ۶- رجال کشی ص ۳۰۹

مورد تصویب امام جواد (ع) قرار گرفته (۱) تدوین نموده و چنانچه از نام این کتابها پیداست مسلماً بعضی از اینها جزء جوامع حدیث بوده است صدوق از استاد خود محمد بن الحسن الوائید (۳۴۳) روایت میکند که گفت کتابهای یونس هم صحیح و قابل اعتماد است مگر آنچه محمد بن عیسی بن عبد در نقل آن منفرد باشد که نمیتوان بآن اعتماد نمود و برطبق آن فتوی داد (۲) وی در عصر امام جواد (ع) بسال ۲۰۸ در مدینه از دنیا رفت و همانجا مدفون گردید (۳)
(ناتمام)

۱- رجال کشی ص ۳۰۱ ۲- فهرست شیخ طوسی ص ۱۸۲
۳- ذیل فهرست شیخ طوسی ص ۱۸۱ نوشته سید محمد صادق آل بحر العلوم و اعیان الشیعه ج ۲ از مجلد اول ص ۴۸

ان هذه الدنيا قد تغيرت و تنكرت و ادبر معروفها
فلم يبق منها الا صباة كصباة الاناء و خسيس عيش كالمرعى الوابل
الاترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا ينتهي (لايتناهي) عنه
ليرغب المؤمن في لقاء الله محققا فاني لا اري الموت الا الحيوه و
لا الحيوه مع الظالمين الا برما ان الناس عبید الدنيا و الدين لعق
على سنتهم يحوطونه مادارت معايشهم فاذا محصوا بالبلاء قل
الديانون

«آنگاه که کاروان دلباختگان حضرت حق بسر کرد گی یگانه»
«شهید راه حقیقت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بسوی قربانگاه»
«دوست (کربلا) میشتافتند حضرتش فرمود»

همانا که دنیا زیر و رو شده و سر پیچی میکند نیکیهایش پشت
کرده بجزرته مانده ظرفی از آن باقی نمانده و چرا گاهی که بیفایده
است آیا نمیبینید که بحق عمل نمیکنند و از باطل دست نمیکشند
(اینوقت) مرد باایمان حقیقتا باید میل لقای خدا کند منکه مرگرا
بجززند گی چیزی نمیبینم و زند گی باستمکاران را بغیر از مسرک با
خواری و ننگ دیگر چیزی نمیدانم همانا توده مردم بندگان دنیا بندو
دین لقلقه (یا آب) زبان آنهاست، تا وقتیکه بازند گیشان مدارا کند،
و همینکه دچار گرفتاری شدند دینداران بسی اند کند امام حسین (ع)